

مُلْحَةُ الْأَعْرَابِ

تأليف:

ابومحمد قاسم بن علي مريزي بصرى

وفات:

سال ٥١٦ هجرى قمرى

ترجمه و شرح:

سيد مسلم تفت دار

مدرسه اميريه

جزيره قشتم – گياهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَابُ: الْعَدَدُ

٣٠٧. وَإِنْ نَطَقْتَ بِالْعُقُودِ فِي الْعَدَدِ فَاَنْظُرِي إِلَى الْمَعْدُودِ لُقِيَتْ الرَّشْدُ
٣٠٨. فَأَنْبِتِ الْهَاءَ مَعَ الْمَذْكَرِ وَاخْذِفِ مَعَ الْمُؤَنَّثِ الْمُشْتَهَرَ
٣٠٩. تَقُولُ: لِي خَمْسَةُ أَنْوَابٍ جُدُدُ وَازْمُمِ لَهَا تِسْعًا مِنَ التُّوقِ وَقَدْ
٣١٠. وَإِنْ ذَكَرْتَ الْعَدَدَ الْمُرَكَّبَا وَهُوَ الَّذِي اسْتَوْجَبَ إِلَّا يُعْرَبَا
٣١١. فَأَلْحِقِ الْهَاءَ مَعَ الْمُؤَنَّثِ بِأَخْرِ الْقَائِي وَلَا تَكْثِرْ
٣١٢. مِثَالُهُ: عِنْدِي ثَلَاثٌ عَشْرَةٌ جُمَانَةٌ مَنْظُومَةٌ وَدُرَّةٌ
٣١٣. وَقَدْ تَنَاهَى الْقَوْلُ فِي الْأَسْمَاءِ عَلَى اخْتِصَارٍ وَعَلَى اسْتِيفَاءِ

بَابُ: الْعَدْدُ

۳۰۷. وَإِنْ نَطَقْتَ بِالْعُقُودِ فِي الْعَدْدِ فَانظُرْ إِلَى الْمَعْدُودِ لَقِيَتْ الرَّشْدَ

۳۰۷. و اگر در عدد به شمردنی‌ها تلفظ زدی پس به معدود نظر افکن تا به حق برسی.

۳۰۸. فَأَثْبِتِ الْهَاءَ مَعَ الْمَذْكَرِ وَاحْذِفْ مَعَ الْمُؤَنَّثِ الْمُشْتَهَرَ

۳۰۸. پس به همراه مذکر، هاء را ثابت کن [و بگو: ثَلَاثَةٌ] و به همراه مؤنث مشهور، هاء

را حذف کن [و بگو: ثَلَاثٌ].

۳۰۹. تَقُولُ: لِي خَمْسَةٌ أَنْوَابٍ جُدُّ وَازْمُمْ لَهَا تِسْعًا مِنَ التُّوقِ وَقَدْ

۳۰۹. می‌گویی: من پنج لباس جدید دارم. و برایش [یعنی برای هند] نه نفر از شتران را

افسار ببند و [زمام شتران را] بگیر [و او را به مقصد برسان].

۳۱۰. وَإِنْ ذَكَرْتَ الْعَدَدَ الْمُرَكَّبَا وَهُوَ الَّذِي اسْتَوْجَبَ إِلَّا يُعْرَبَا

۳۱۰. و اگر عدد مرکب را ذکر کردی و آن چیزی است که مستحق است اعراب کرده

نشود [یعنی اعداد مرکب، مبنی هستند].

۳۱۱. فَأَلْحِقِ الْهَاءَ مَعَ الْمُؤَنَّثِ بِأَخْرِ الثَّانِي وَلَا تَكْثِرْ

۳۱۱. پس [در اعداد مرکب] به همراه مؤنث، هاء را به آخر جزء دوم ملحق کن و اهمیت

نده [به کسی که با تو مخالفت کرد].

۳۱۲. مِثَالُهُ: عِنْدِي ثَلَاثُ عَشْرَةَ جُمَانَةً مَنْظُومَةٌ وَدُرَّةٌ

۳۱۲. مثال آن: نزد من سیزده لؤلؤ و مروارید در رشته کشیده شده هست.

۳۱۳. وَقَدْ تَنَاهَى الْقَوْلُ فِي الْأَسْمَاءِ عَلَى اخْتِصَارٍ وَعَلَى اسْتِيفَاءٍ

۳۱۳. همانا سخن پیرامون اسما به پایان رسید [گاهی] خلاصه‌وار و [گاهی] کامل.

أَعْدَادٌ مَفْرُودٌ

"واحد و واحدة"

معدود بعد از این دو ذکر نمی‌شود.

گفته نمی‌شود: جَاءَ وَاحِدٌ رَجُلٌ وَ جَاءَتْ وَاحِدَةٌ امْرَأَةٌ.

بلکه گفته می‌شود: جَاءَ رَجُلٌ وَ جَاءَتْ امْرَأَةٌ.

عدد واحد و واحِدَة به حرکات ظاهر اعراب کرده می شود. اگر معدود قبل از واحد و واحِدَة ذکر شد، این دو عدد نقش صفت پیدا می کنند و معنای تأکید، تحدید و تقلیل می دهند و اگر موصوف مذکر بود این دو عدد، مذکر و اگر موصوف مؤنث بود این دو عدد، مؤنث آورده می شوند.

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿أَتَمَّا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾^١

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ﴾^٢

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ﴾^٣

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَلِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ﴾^٤

"اثنان و اثنتان"

بعد از عدد "اثنان و اثنتان" معدود ذکر کرده نمی شود.

گفته نمی شود: جَاءَ اثْنَانِ رَجُلَانِ و جَاءَتْ اثْنَتَانِ امْرَأَتَانِ.

بلکه گفته می شود: جَاءَ رَجُلَانِ و جَاءَتْ امْرَأَتَانِ.

اگر معدود قبل از اثنان و اثنتان ذکر شد، این دو عدد نقش صفت پیدا می کنند و معنای تأکید، تحدید و یا تقلیل می دهند و اگر موصوف مذکر بود این دو عدد، مذکر و اگر موصوف مؤنث بود این دو عدد، مؤنث آورده می شوند.

حدیث: لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ زَوْجَتَانِ اثْنَتَانِ.^٥

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ﴾^٦

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ﴾^٧

عدد اثنان و اثنتان همانند مثنی اعراب کرده می شود:

(الف) مرفوع به الف می شود:

حدیث: فَأَقْبَلَ اثْنَانِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^٨

^١ . سوره فصلت، آیه ٦

^٢ . سوره بقره، آیه ٦١

^٣ . سوره حاقه، آیه ١٣

^٤ . سوره ص، آیه ٢٣

^٥ . مسلم ٢٨٣٤

^٦ . سوره رعد، آیه ٣

^٧ . سوره هود، آیه ٤٠

^٨ . بخاری ٦٦

اثنان: فاعِلٌ، مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفَعَهُ الْأَلْفُ نِيَابَةً عَنِ الضَّمَّةِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِالْمُثَنِّيِّ.

(ب) منصوب به یاء می شود:

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ﴾^۹

اثْنَيْنِ: مَفْعُولٌ بِهِ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَضَبِهِ الْيَاءُ نِيَابَةً عَنِ الْفَتْحَةِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِالْمُثَنِّيِّ.

(ج) مجرور به یاء می شود:

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ﴾^{۱۰}

ثَانِي: حَالٌ.

اثْنَيْنِ: مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَجْرُورٌ وَعَلَامَةٌ جَرَّهُ الْيَاءُ نِيَابَةً عَنِ الْكَسْرِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِالْمُثَنِّيِّ.

"ثلاثة تا عشرة"

معدود عدد سه تا ده، جمع آورده و مضاف الیه اعراب کرده می شود. و اگر معدود مذکر بود عدد

مؤنث و اگر مؤنث بود عدد مذکر آورده می شود. و اما عدد بر حسب عوامل اعراب می شود.

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿أَلَا تَكَلَّمُ النَّاسُ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا﴾^{۱۱} "لَيَالٍ": مفرد آن: "لَيْلَةٌ" و مؤنث

است.

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿لِلَّذِينَ يُؤُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرْبُصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾^{۱۲} "أَشْهُرٍ": مفرد آن: "شَهْرٌ" و

مذکر است.

"أعداد مركبة"

"عدد ۱۱"

معدود عدد أَحَدَ عَشَرَ وِإِحْدَى عَشْرَةَ همیشه مفرد می آید و تمییز اعراب می شود.

اگر تمییز مذکر بود، هر دو جزء این عدد، مذکر آورده می شود. مانند:

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا﴾^{۱۳}

حدیث: فَكَانَتْ سِهَامُهُمْ اثْنِي عَشَرَ بَعِيرًا، أَوْ أَحَدَ عَشَرَ بَعِيرًا.^{۱۴}

^۹ . سوره یس، آیه ۱۴

^{۱۰} . سوره توبه، آیه ۴۰

^{۱۱} . سوره مریم، آیه ۱۰

^{۱۲} . سوره بقره، آیه ۲۲۶

^{۱۳} . سوره یوسف، آیه ۴

^{۱۴} . بخاری ۳۱۳۴

در مثال فوق "كُوكِبًا" و "بَعِيرًا" تمییز اعراب می‌شوند. زیرا بعد از عدد "أَحَدَ عَشَرَ" آمده‌اند و چون این دو کلمه مذکرند، "أَحَدَ عَشَرَ" مذکر آورده شد.

اگر تمییز مؤنث بود، هر دو جزء این عدد، مؤنث آورده می‌شود. مانند:
 حدیث: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً.^{١٥}
 حدیث: جَلَسَ إِحْدَى عَشْرَةَ امْرَأَةً.^{١٦}

در مثال فوق "رَكْعَةً" و "امْرَأَةً" تمییز اعراب می‌شوند زیرا بعد از عدد "إِحْدَى عَشْرَةَ" آمده‌اند و چون این دو کلمه مؤنث‌اند، إِحْدَى عَشْرَةَ مؤنث آورده شد.

"اعراب عدد أَحَدَ عَشَرَ وإِحْدَى عَشْرَةَ"

هر دو جزء این عدد همیشه مبنی بر فتح اعراب می‌شود. مثال:

المَسَافَةُ أَحَدَ عَشَرَ مِيْلًا.

المَسَافَةُ: مُبْتَدَأٌ مَرْفُوعٌ بِالإِبْتِدَاءِ وَعَلَامَةٌ رَفْعِهِ الضَّمَّةُ.

أَحَدَ عَشَرَ: خَبَرُ المُبْتَدَأِ مَبْنِيٌّ عَلَى فَتْحِ الجُزْأَيْنِ فِي مَحَلِّ رَفْعٍ.

مِيْلًا: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الفَتْحَةُ.

التَّقَطُّتُ إِحْدَى عَشْرَةَ صُورَةً.

التَّقَطُّتُ: فِعْلٌ مَاضٍ مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ وَتَاءِ المُتَكَلِّمِ فِي مَحَلِّ رَفْعٍ فَاعِلٌ.

إِحْدَى عَشْرَةَ: مَفْعُولٌ بِهِ مَبْنِيٌّ عَلَى فَتْحِ الجُزْأَيْنِ فِي مَحَلِّ نَصْبٍ.

صُورَةً: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الفَتْحَةُ.

تَبَرَّعْتُ بِأَحَدَ عَشَرَ دِينَارًا.

تَبَرَّعْتُ: فِعْلٌ مَاضٍ مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ وَتَاءِ المُتَكَلِّمِ فِي مَحَلِّ رَفْعٍ فَاعِلٌ.

بِأَحَدَ عَشَرَ: (البَاءُ) حَرْفٌ جَرٌّ (أَحَدَ عَشَرَ) مَجْرُورٌ بِالبَاءِ مَبْنِيٌّ عَلَى فَتْحِ الجُزْأَيْنِ فِي

مَحَلِّ جَرٍّ.

دِينَارًا: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الفَتْحَةُ.

"عدد ١٢"

^{١٥}. بخاری ٩٩٤

^{١٦}. مسلم ٢٤٤٨

معدود عدد اثناعشر و اثناعشره همیشه مفرد می آید و تمییز اعراب می شود.

اگر تمییز مذکر بود، هر دو جزء این عدد، مذکر آورده می شود. مانند:

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾^{۱۷}

حدیث: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً.^{۱۸}

در مثال فوق "شَهْرًا" و "خَلِيفَةً" تمییز اعراب می شوند. زیرا بعد از عدد "اثنا عشر" آمده اند و

چون این دو کلمه مذکرند، "اثنا عشر" مذکر آورده شد.

اگر تمییز مؤنث بود، هر دو جزء این عدد، مؤنث آورده می شود. مانند:

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿فَأَنْفَجَرْتُمْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا﴾^{۱۹}

در مثال فوق "عَيْنًا" تمییز اعراب می شود. زیرا بعد از عدد "اثنتا عشره" آمده و چون این کلمه

مؤنث است، "اثنتا عشره" مؤنث آورده شد.

"اعراب عدد اثناعشر و اثناعشره"

اعراب جزء اول آن همانند مثنی در حالت رفع به الف و در حالت نصب و جر به یاء می باشد.

جزء دوم آن همیشه مبنی بر فتنحه است. مثال:

اشْتَرَكْ اِثْنَا عَشَرَ رِيَاضِيًّا فِي السَّبَاقِ.

اِثْنَا عَشَرَ: (اِثْنَا) فَاعِلٌ، مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفْعِهِ الْاَلِفُ، نِيَابَةٌ عَنِ الضَّمَّةِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ

بِالْمُثَنَّى. (عَشَرَ) بَدَلٌ مِنَ التَّوْنِ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ.

رِيَاضِيًّا: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

نَظَّمْتُ اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ قَصِيدَةً.

اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ: (اِثْنَتَيْ) مَفْعُولٌ بِهِ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْيَاءُ، نِيَابَةٌ عَنِ الْفَتْحَةِ، لِأَنَّهُ

مُلْحَقٌ بِالْمُثَنَّى. (عَشْرَةَ) بَدَلٌ مِنَ التَّوْنِ مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ.

قَصِيدَةً: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

بَعَثْتُ بِالتَّهْنِئَةِ إِلَى اِثْنَيْ عَشَرَ صَدِيقًا.

۱۷ . سورة توبه، آیه ۳۶

۱۸ . مسلم ۱۸۲۱

۱۹ . سورة بقره، آیه ۶۰

إِثْنِي عَشَرَ: (إِثْنِي) مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَعَلَامَةٌ جَرُّهَ الْيَاءُ، نِيَابَةٌ عَنِ الْكُسْرَةِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِالْمُثَنَّى. (عَشَرَ) بَدَلٌ مِنَ التَّوْنِ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. صَدِيقًا: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

"عدد از ۱۳ تا ۱۹"

اعداد مرکب از ۱۳ تا ۱۹ از دو جزء تشکیل شده است. جزء اول آن اعداد از سه تا نه تشکیل می‌دهند. بنابراین حکم آن از جهت مذکر و مؤنث بودن همانند سه تا نه خواهد شد در نتیجه با معدود خود مخالفت می‌کنند. اما جزء دوم آن در مذکر و مؤنث بودن با معدود خود موافقت می‌کنند.

در مثال‌های زیر تمییز مذکر آمده در نتیجه جزء دوم آن همانند تمییز مذکر آورده شده اما جزء اول آن که اعداد از سه تا نه تشکیل می‌دهند بر خلاف تمییز، مؤنث آورده شده‌اند.

ثَلَاثَةٌ عَشْرَ عَامًا، أَرْبَعَةٌ عَشْرَ يَوْمًا، خَمْسَةٌ عَشْرَ مِثْرًا، سِتَّةٌ عَشْرَ كِتَابًا، سَبْعَةٌ عَشْرَ سَطْرًا، ثَمَانِيَّةٌ عَشْرَ فَضْلًا، تِسْعَةٌ عَشْرَ مَصْنَعًا.

در مثال‌های زیر تمییز مؤنث آمده در نتیجه جزء دوم آن همانند تمییز مؤنث آورده شده اما جزء اول آن که اعداد از سه تا نه تشکیل می‌دهند بر خلاف تمییز، مذکر آورده شده‌اند.

ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً، أَرْبَعَ عَشْرَةَ لَيْلَةً، خَمْسَ عَشْرَةَ نَافِذَةً، سِتَّ عَشْرَةَ كَلِمَةً، سَبْعَ عَشْرَةَ صَفْحَةً، ثَمَانِي عَشْرَةَ عُرْقَةً، تِسْعَ عَشْرَةَ مَدْرَسَةً.

اعداد مرکب از ۱۳ تا ۱۹ همیشه اعراب آن‌ها مبنی بر فتح دو جزء است. مثال:

فِي الْكِتَابِ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ بَابًا.

ثَلَاثَةٌ عَشْرَ: مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ مَبْنِيٌّ عَلَى فَتْحِ الْجُزْأَيْنِ فِي مَحَلِّ رَفْعٍ.

بَابًا: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

سَجَلٌ مِقْيَاسُ الْحَرَارَةِ أَرْبَعٌ عَشْرَةَ دَرَجَةً.

أَرْبَعٌ عَشْرَةَ: مَفْعُولٌ بِهِ مَبْنِيٌّ عَلَى فَتْحِ الْجُزْأَيْنِ فِي مَحَلِّ نَصْبٍ.

دَرَجَةً: تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

شَدَّبْتُ أَغْصَانَ تِسْعَ عَشْرَةَ شَجَرَةً.

تِسْعَ عَشْرَةَ: مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَبْنِيٌّ عَلَى فَتْحِ الْجُزْأَيْنِ فِي مَحَلِّ جَرِّ.

شَجَرَةً تَمَيِّزُ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

"الفاظ عقود"

به اعداد از بیست تا نود الفاظ عقود گفته می‌شود. این الفاظ از لحاظ تذکیر و تأنیث به یک حالت می‌آیند و در اعراب به جمع مذکر سالم الحاق کرده می‌شوند.

مثال برای **عِشْرُونَ** و **عِشْرِينَ**:

(الف) قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ﴾^{۲۰}
عِشْرُونَ: اسْمٌ (يَكُنْ)، مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفِعِهِ الْوَاوُ نِيَابَةٌ عَنِ الضَّمَّةِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ الْمَذَكَّرِ السَّلِيمِ.

(ب) قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ﴾^{۲۱}
ثَلَاثِينَ: ظَرْفٌ زَمَانٍ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْيَاءُ نِيَابَةٌ عَنِ الْفَتْحَةِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ الْمَذَكَّرِ السَّلِيمِ.

(ب) قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿فَاطْعَامٌ سِتِّينَ مِسْكِينًا﴾^{۲۲}
سِتِّينَ: مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَجْرُورٌ وَعَلَامَةٌ جَرِّهِ الْيَاءُ نِيَابَةٌ عَنِ الْكُسْرَةِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ الْمَذَكَّرِ السَّلِيمِ.

"أعداد معطوف"

هرگاه اعداد ۱ تا ۹ به اعداد ۲۰ تا ۹۰ عطف شوند به چنین ترکیب‌هایی اعداد عطف گفته می‌شود.

این اعداد از ۲۱ تا ۲۹ و ۳۱ تا ۳۹... آغاز و با ۹۱ تا ۹۹ پایان می‌پذیرد.
جزء دوم آن، همیشه محمول بر جمع مذکر سالم و به قبل خود عطف کرده می‌شود.
جزء اول آن که اعداد از ۱ تا ۹ را تشکیل می‌دهند همانند اعداد مفرد از ۱ تا ۹ عمل می‌کنند.
بدین معنا که اعداد ۱ و ۲ در تذکیر و تأنیث موافق معدود و اعداد ۳ تا ۹ در تذکیر و تأنیث مخالف معدود خود می‌آیند. و بر حسب عوامل اعراب کرده می‌شوند. تمییز آن‌ها همیشه مفرد و منصوب است. مثال:

صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفَدِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً.^{۲۳}

۲۰ . سورة انفال، آیه ۶۵

۲۱ . سورة أعراف، آیه ۱۴۲

۲۲ . سورة مجادلة، آیه ۴

(الْبَاءُ) حَرْفُ جَرٍّ، (سَبْعٌ) مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ وَعَلَامَةٌ جَرِّهِ الْكُسْرَةُ، (الْوَاوُ) حَرْفُ عَظْفٍ، (عِشْرِينَ) مَعْطُوفٌ عَلَى (سَبْعٍ) وَالْمَعْطُوفُ عَلَى الْمَجْرُورِ مَجْرُورٌ وَعَلَامَةٌ جَرِّهِ الْيَاءُ، نِيَابَةٌ عَنِ الْكُسْرَةِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ الْمَذْكَرِ السَّالِمِ. (دَرَجَةٌ): تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

إِنَّ الشَّهْرَ يَكُونُ تِسْعَةً وَعِشْرِينَ يَوْمًا.

(تِسْعَةٌ) خَبْرٌ كَانَ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ. (الْوَاوُ) حَرْفُ عَظْفٍ، (عِشْرِينَ) مَعْطُوفٌ عَلَى (تِسْعَةٍ) وَالْمَعْطُوفُ عَلَى الْمَنْصُوبِ مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْيَاءُ، نِيَابَةٌ عَنِ الْفَتْحَةِ لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ الْمَذْكَرِ السَّالِمِ. (دَرَجَةٌ): تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً﴾^{۲۰}

(لَهُ) جَارٌ وَمَجْرُورٌ، مُتَعَلِّقَانِ بِحَبْرِ مَحْدُوفٍ، فِي مَحَلِّ رَفْعٍ، تَقْدِيرُهُ كَأَنَّ أَوْ اسْتَقَرَّ. (تِسْعٌ) مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ، مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفْعِهِ الضَّمَّةُ. (الْوَاوُ) حَرْفُ عَظْفٍ، (تِسْعُونَ) مَعْطُوفٌ عَلَى (تِسْعٍ) وَالْمَعْطُوفُ عَلَى الْمَرْفُوعِ مَرْفُوعٌ وَعَلَامَةٌ رَفْعِهِ الْوَاوُ، نِيَابَةٌ عَنِ الضَّمَّةِ، لِأَنَّهُ مُلْحَقٌ بِجَمْعِ الْمَذْكَرِ السَّالِمِ. (نَعَجَةٌ): تَمْيِيزٌ، مَنْصُوبٌ وَعَلَامَةٌ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ.

"عدد مئة و مئتان"

عدد "مئة" و "مئتان" فرقی ندارد که معدود آن دو مذکر باشد یا مؤنث، همیشه به یک حالت می آیند و بر حسب عواملی که بر آنها داخل می شوند مرفوع، منصوب و یا مجرور اعراب کرده می شوند.

اعراب "مئة" ظاهری و اعراب "مئتان" محمول بر مثنی است.

معدود این دو مفرد می آید و مضاف الیه اعراب کرده می شود. مثال:

جاء مئة رجلٍ رأيت مئة رجلٍ مررت بمئة رجلٍ.

جاءت مئة امرأةٍ رأيت مئة امرأةٍ مررت بمئة امرأةٍ.

جاء مئتا رجلٍ رأيت مئتي رجلٍ مررت بمئتي رجلٍ.

^{۲۳} . بخاری ۶۴۰

^{۲۴} . بخاری ۱۹۱۰

^{۲۵} . سوره ص، آیه ۲۳

جاءت مِئتا امْرَأَةً رَأَيْتُ مِئْتَيْ امْرَأَةٍ مَرَرْتُ بِمِئْتَيْ امْرَأَةٍ.
"أعداد از ۳۰۰ تا ۹۰۰"

أعداد از ۳۰۰ تا ۹۰۰ از سه قسمت تشکیل شده است. مانند:

ثَلَاثُمِائَةٌ رَجُلٍ وَثَلَاثُمِائَةٌ امْرَأَةٍ.

قسمت اول:

اعداد از سه تا نه تشکیل می‌دهند که بر حسب عوامل اعراب شده و حرکات اعراب بر روی آن‌ها ظاهری است. در تذکیر و تانیث به این شکل "ثلاث" به یک وجه می‌آید و در آن تغییری ایجاد نمی‌شود.

قسمت دوم:

عدد "مِئَة" را تشکیل می‌دهد که همیشه اعراب آن چنین می‌شود: **مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَجْرُورٌ وَعَلَامَةٌ جَرَّهُ الْكَسْرَةُ.**

قسمت سوم:

معدود را تشکیل می‌دهد که مفرد می‌آید و همیشه مضاف‌الیه اعراب می‌شود. مثال:

جاءت ثَلَاثُمِائَةٌ امْرَأَةٍ	جاءَ ثَلَاثُمِائَةٌ رَجُلٍ
رَأَيْتُ ثَلَاثُمِائَةَ امْرَأَةٍ	رَأَيْتُ ثَلَاثُمِائَةَ رَجُلٍ
مَرَرْتُ بِثَلَاثُمِائَةِ امْرَأَةٍ	مَرَرْتُ بِثَلَاثُمِائَةِ رَجُلٍ

"عدد ألف"

احکام عدد "ألف" به مانند "مِئَة" می‌باشد. مثال:

جاءَ أَلْفُ رَجُلٍ، رَأَيْتُ أَلْفَ رَجُلٍ، مَرَرْتُ بِأَلْفِ رَجُلٍ.
 جاءت ألف امْرَأَةٍ، رأيت ألف امْرَأَةٍ، مررت بألف امْرَأَةٍ.

عدد أَلْفَانِ، أَلْفَيْنِ:

عدد "أَلْفَانِ، أَلْفَيْنِ" بر حسب عوامل اعراب می‌شود. همانند مثنی اعراب کرده می‌شود و معدود

آن مفرد و مضاف‌الیه و مجرور می‌آید. مثال:

حُرَّاسُ الْمَدِينَةِ أَلْفَا حَارِسِينَ.

رَأَيْتُ أَلْفَيْ امْرَأَةٍ.

مَرَرْتُ بِالْفَيْ رَجُلِي.

عدد ثَلَاثَةُ آلَافٍ تِسْعَةَ آلَافٍ:

اعداد "ثَلَاثَةُ آلَافٍ تِسْعَةَ آلَافٍ"، قسمت اول آن در تذکیر و تأنیث، این چنین "ثلاثة، أربعة و..." به یک وجه می آید و از لحاظ مذکر و مؤنث در آن تغییری ایجاد نمی شود و بر حسب عوامل اعراب کرده می شود.

عدد "ألف" به "آلاف" جمع بسته و مضاف إليه اعراب کرده می شود.

اعراب معدود آن نیز مفرد، مضاف إليه و مجرور است.

جَيْشُ الْمَدِينَةِ تِسْعَةَ آلَافٍ جُنْدِيٍّ.

رَأَيْتُ تِسْعَةَ آلَافٍ جُنْدِيٍّ.

مَرَرْتُ بِتِسْعَةِ آلَافٍ جُنْدِيٍّ.